یادداشت

ماجرای یک کامنت

غلامعلی رجایی
مشاور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

● دو هفته قبل بود که یک نفر از بستگان به من پیغام داد که در گروه‌ها و شبکه‌های مجازی در استان خوزستان متنی در نقد آیت‌الله بهجت به نقل از شما دست به دست می‌چرخد. از او خواستم متن را برای من ارسال کند. دیدم که اصلا این مطلب متعلق به من نیست. آنها که با من آشنایی دارند می‌دانند من مدت‌هاست درباره عرفا و روحانیونی مانند آیت‌الله بهجت مطالب اثباتی می‌نویسم که البته معمولا موردپسند برخی روشنفکران قرار نمی‌گیرند و حتی به من گفته‌اند شما که استاد دانشگاه هستید چرا این حرف‌ها را می‌زنید. درحالی‌که معلوم است از این ظرفیت‌های این افراد بی‌خبرند. من چند ماه قبل در تأیید مقامات عرفا مطلبی در وبلاگم نوشته بودم که هم‌اکنون موجود است و دوستان می‌توانند به آن مراجعه کنند. در واکنش به آن مطلب، فردی کامنتی نوشته بود که نقل به مضمون می‌کنم. نوشته بود که اگر آقای بهجت چنین کراماتی داشته‌اند چرا درجهت توسعه و گسترش تشیع یا دورکردن آسیب‌های نظام از آن استفاده نمی‌کنند، چرا فقط مورچه‌ها را از سیل نجات می‌دهند. من مختصری در پاسخ او نوشتم که اولا شما نمی‌دانید اینها چه کمک‌هایی به نظام می‌کنند، چراکه این کمک‌ها علنی نیست که همه بفهمند. حالا متوجه شدم که کامنت این خواننده به مطلب من در گروه‌های اجتماعی تحت‌عنوان نوشته یا صحبت‌های رئیس دفتر آقای هاشمی‌رفسنجانی در حال انتشار است. این در حالی است که حتی در عنوان من هم اشتباه کرده‌اند. درحالی‌که من مشاور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هستم و همه می‌دانند که اخوی ایشان رئیس دفترشان است. تحلیل من این است که عده‌ای غرض‌مندانه بعد از تخریب آقای هاشمی سراغ نزدیکان ایشان رفته‌اند تا باز هم به ایشان ضربه بزنند و ایشان را رودرروی عرفا و روحانیون قرار دهند.

ادامه از صفحه ۳

حدود ممنوع‌البیانی تا سکه‌های هاشمی

و بعد به قوه می‌رود و اگر مستندات کافی باشد حکم سریع اعلام می‌شود اما افرادی که نسبت به اتهامات اعتراض داشته باشند رسیدگی به آن زمان بر خواهد شد».

وضعیت طاهری و ضارب خلیلی

محسنی اژه‌ای در بخش دیگری از این نشست درباره تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری وکلا که براساس آن برای برخی جرایم فقط وکلای مورد تأیید قوه قضائیه حق ورود به پرونده‌ها را دارند، در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه برخی از وکلا اظهار داشتند که در مراجعه به مرجع قضائی به آنها گفته شده که اسامی شما در لیست اعلامی از سوی رئیس قوه قضائیه نیست، گفت: «در برخی از استان‌ها این لیست اعلام شده و باید در جاهای دیگر هم انجام شود و براساس همین تبصره عمل شود». در ادامه این نشست خبری هم یکی از خبرنگاران در خصوص آخرین وضعیت پرونده محمدعلی طاهری سرکرده عرفان حلقه سؤال کرد که اژه‌ای گفت: «اتفاق جدیدی نیفتاده و بعید می‌دانم حکم وی تأیید شده باشد». او در خصوص اعلام رضایت خانواده مرحوم خلیلی و انصراف از قصاص متهم پرونده گفت: « از باب شخصی، با رضایت شاکی کار متهم تمام شده اما از جنبه عمومی جرم ممکن است آزاد نشود».

تأیید بازداشت یکی از دلالان دکل

کارمند اخراجی که دلال دکل شد

آقای «ش»، کارمند اخراجی شرکت ملی حفاری (اهواز) بوده و علت اخراج ایشان، ارائه فاکتوری صوری و جعلی نسبت به خرید ۱۰ دستگاه مخزن اسید از کارخانه مخزن‌سازی اراک، به شرکت ملی حفاری (اهواز) اعلام شده است. او مالک شرکت حفاری «سپنتا بین‌الملل» و شرکت‌های متعدد اقماری نفتی دیگر، در داخل و خارج از کشور است. «نادر قاضی‌پور»، نماینده ارومیه، چندروز پیش مستنداتی در اختیار«خانه ملت» قرار داد که در آن به اطلاعات فرد ربانیده دکل دین - دکل ربوده‌شده- اشاره کرده بود. براساس اطلاعات و مستندات این نماینده، آقای «میم.ش» حدود هشت سال «مشاورعالی مدیرعامل» شرکت تأسیساتی دریایی بوده است و دستور پرداخت تمامی وجوه دکل گمشده به «شرکت دین» را ایشان شخصا صادر کرده است. او یک روز پس از انتشار گزارش فوق در «شرق»، طی گفت‌وگویی با «شرق» منکر مسائل فوق شده و مدعی شده بود که در پرداخت این وجوه نقشی نداشته است. او علت پرداخت وجه دکل پیش از تحویل آن را فشار افرادی خاص بیان کرده و نقش خود را در معامله دکل تنها تأیید مشخصات فنی دکل دانسته بود.

نگاهی به پیگیری ربوده شدن امام موسی صدر در دولت موقت:

مسافر سفر بی‌پایان

لیلا ابراهیمیان: چندروز از شهریور ۱۳۵۷ می‌گذشت که خبر ربوده‌شدنش منتشر شد. این دومین سفر او به لیبی بود. اولین ملاقاتش با سرهنگ معمر قذافی به دعوایی ختم شد و این بار به معمایی فراموش‌نشدنی. دعوا بر سر کتاب سبزرنگی بود که قذافی منتشر کرده بود و «نهایتا وحی را انکار می‌کرد». و این‌بار «هواری بومدین»، چهارمین رئیس‌جمهور الجزایر، اصرار داشت ملاقات امام‌موسی‌صدر با قذافی می‌تواند برای حل مسئله لبنان و فلسطین مفید باشد. قرار بود در این سفر صادق طباطبایی و صادق قطب‌زاده او را در سفر همراهی کنند. صادق طباطبایی می‌گوید: «هدف ما این بود به لیبی برویم و از قذافی برای پخش روزی دو ساعت برنامه رادیویی برای ایران امکانات بگیریم... کاردار سفارت لیبی دعوت‌نامه رسمی معمر قذافی را به ایشان داد و پیشنهاد کرد در جشن بزرگداشت انقلاب که اول سپتامبر برگزار می‌شود، آنجا باشند». اما امام‌موسی‌صدر می‌خواست بیستم آگوست به لیبی سفر کند. دو صادق، - یعنی خواهرزاده به‌همراه دوست صمیمی‌اش - آماده همراهی می‌شوند اما بار دیگر سفر یک هفته به تعویق می‌افتد و «صادق‌ها» از سفر باز می‌مانند. روز ۲۵ آگوست (سوم شهریور) امام‌موسی‌صدر به همراه محمد یعقوب، از روحانیون خوش‌فکر لبنانی و عباس بدرالدین، روزنامه‌نگار و مدیر خبرگزاری لبنان، وارد لیبی می‌شوند و در فرودگاه رئیس‌دفتر ستاد سیاست خارجه از آنها استقبال می‌کند و برای اقامت، به هتل الشاطی می‌روند. اما این سفر متفاوت از دیگر سفرهای خارجی آقای صدر بود «وی از روز اول هیچ ارتباطی با جهان خارج نداشت». صادق طباطبایی روایت می‌کند: «در طول روزهای بیست‌وپنجم تا بیست‌وهفتم ماه آگوست کسی از ایشان خبر نداشت. اصلا همه متعجب بودند چرا تماسی نگرفته‌اند و عجیب‌تر اینکه ورودشان به لیبی در رسانه‌های لیبی نیز منعکس نشد... . در بیست‌وهشتم آگوست یکی از همراهانش برای انجام کاری به سفارت لبنان در لیبی مراجعه کرده، کاردار لبنان در لیبی تازه متوجه می‌شود آقای صدر در آنجا هستند... بعدازظهر همان روز کاردار لبنان به هتل مراجعه می‌کند تا پاسپورت بدرالدین را به او دهد اما اثری از امام و همراهانش نبوده است». بعدها قذافی نقل می‌کند روز سی‌ویکم آگوست، ساعت یک‌ونیم ظهر با امام‌موسی وقت ملاقات داشته او نیامد و اطلاع دادند که ایشان با پروازی به رم رفته است. اما از طریق دادستانی ایتالیا تحقیقاتی انجام می‌شود و درنهایت می‌گویند چنین شخصی وارد خاک ایتالیا نشده و «افراد دیگری با مدارک آقای صدر و همراهانش وارد هتل «هالی‌دی‌این» شده و فرم ورود را پر می‌کنند...». فرمی که حتی نام افراد با غلط املایی نوشته می‌شود: «محمد شهاده یعقوب». بعد از اقامت در هتل، وسایل اقامت‌کنندگان در هتل می‌ماند و خود دیگر به هتل برنمی‌گردند؛ وسایلی چون لباس، ساعت شکسته و گذرنامه آقای صدر. آقای صدر برخلاف ادعا، به فرانسه هم نرفته بود و البته ویزایی هم برای وی گرفته می‌شود؛ «درحالی‌که ایشان ویزای معتبر فرانسه در گذرنامه داشتند». این حوادث به تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ بود و هشت روز بعد میدان ژاله در ایران به خون نشست؛ و دو ردیف مسلسل صف جلو راه‌پیمایان را بر زمین ریخت. اما پاییز بر بام ایران ننشسته بود و می‌رفت تا چند ماه دیگر، بهاری در زمستان شکوفه کند.

بازرگان: ۲۷۵ روز

۱۵ بهمن ۱۳۵۷، سه روز بعد از بازگشت رهبر انقلاب به ایران و استقبال باشکوه مردمی از وی، در مدرسه علوی، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی، متن حکمی را خواند با امضای «روح‌الله موسوی خمینی» خطاب به مهندس مهدی بازرگان، برای تشکیل دولت موقت انقلابی، تا ترتیب اداره و تغییر نظام را بدهد. تلاش‌ها ثمر داده و هواپیمای انقلاب از مقصد نوفل‌لوشاتو بر قلب ایران فرود آمده بود. انقلاب نخست‌وزیری داشت که به او چریک پیر می‌گفتند؛ اما چریک نبود.

پیام تبریک رهبران جهان به صورت تلفنی و حضوری خطاب به رهبران انقلاب ارسال می‌شد. معمر قذافی رهبر لیبی نیز از این قاعده مستثنا نبود. اما در راه بهبود روابط ایران و لیبی در آن زمان یک معضل بزرگ وجود داشت و آن معمای ناپدیدشدن امام‌موسی‌صدر بود. بسیاری در جهان اسلام و ایران در این ماجرا دولت لیبی را مقصر اصلی می‌دانستند. ولی بودند عده‌ای که به این مسائل توجهی نداشتند و معتقد بودند ماجرای امام‌صدر توطئه‌ای از سوی محافل استکباری است تا میان لیبی و ایران اختلاف بیندازند. برای همین مرد دوم لیبی را به ایران دعوت کردند؛ «سرگرد عبدالسلام جلود». ورودش در چهارم اردیبهشت ۱۳۵۸، به ایران مخالفان زیادی داشت. از مصطفی چمران که نامه مفصلی در این‌باره به بنیان‌گذار انقلاب نوشت و ابراهیم یزدی، وزیر وقت امور خارجه و اعضای دولت موقت که بگذریم، امام‌خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز چندان اشتیاقی به آمدن وی نشان نمی‌داد. امام‌خمینی در همان زمان مقابل درخواست عده‌ای از افراد از جمله چهره‌هایی که از حامیان دولت لیبی در میان انقلابیون به‌شمار می‌رفتند، گفته بود: «من نمی‌گویم قذافی بیاید یا نیاید! اما اینجا نیاید!» زمانی که آنان علت را جویا شدند، امام گفت: «هنوز مسئله آقاموسی حل نشده است و من قذافی را نمی‌پذیرم». وقتی جلود قصد سفر کرد، حامیانش در ایران دست به کار شدند. چنین شد که ورود او به ایران و عدم صدور اجازه فرود به هواپیمایش از سوی دولت موقت، یکی از انقلابیون را به فرودگاه کشاند. نیروهای نزدیک به وی ساعاتی فرودگاه را به اشغال خود درآوردند تا عبدالسلام جلود در عملیاتی نظامی از فرودگاه خارج شود و بتواند اقامت خود در ایران را به همراه یک هیأت ۷۰ نفری مرکب از نمایندگان دسته‌جات سیاسی لیبی، زنان، کارگران، دانشجویان، اصناف و کمیته‌های انقلابی خلق آغاز کند. مقصد دوم جلود، قم بود.

استقبال حامیان

محسن رفیق‌دوست درباره آنچه در بدو ورود جلود در فرودگاه مهرآباد اتفاق افتاد، می‌گوید: «وقتی هواپیمای آنها در فرودگاه تهران نشست، گروهی از طرف دولت موقت و به دستور شهید چمران هواپیما را محاصره کردند و نگذاشتند جلود و همراهانش پیاده شوند. دولت موقت ازجمله ابراهیم یزدی و دکتر چمران می‌گفتند چون امام‌موسی‌صدر در لیبی گم شده، جلود حق ورود ندارد. من و محمد منتظری و عده‌ای از پاسداران مسلح به فرودگاه رفتیم، گروه دولت موقت را عقب زدیم و جلود و گروه لیبیایی را سوار کاشین کردیم و به هتل شرایتون - هتل همای فعلی- بردیم. گروه طرفدار نهضت آزادی هر روز مقابل هتل می‌آمدند و به خاطر امام‌موسی‌صدر علیه لیبی شعار می‌دادند». محمد منتظری از ممانعت برخی از نیروها در استقبال هیأت لیبیایی آشفته می‌شود. او در بخشی از مطلبی با عنوان «نقش امپریالیسم در کشورهای جهان سوم» می‌نویسد: «...آری سیاست امپریالیستی-صهیونیستی مأموران رژیم گذشته بر بسیاری از مسائل کنونی کشور سایه انداخته و عناصر نالایق و احیانا مزدور به‌اصطلاح حاکم بر کشور، در چارچوب همین سیاست عمل می‌کنند...».

درحصار اسلحه

هاشم صباغیان که در زمان آمدن عبدالسلام جلود، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بود، می‌گوید: «نیمه‌های شب به ما اطلاع دادند هیأتی از لیبی وارد ایران خواهد شد. آمدن این هیأت که مورد تأیید امام‌خمینی نبود باید از طریق کانال دیپلماسی کشور و وزارت امور خارجه و دولت انجام می‌شد. اما دولت از این دعوت بی‌خبر بود. یادم هست آن شب تا صبح بیدار بودم. با رئیس هواپیمایی کشور تماس گرفتیم و گفتیم اجازه فرود به این هواپیما ندهید. متوجه شدم آقای رفیق‌دوست به همراه عده‌ای مسلح می‌خواهند حتما این هواپیما فرود بیاید. ما مشکلات زیادی داشتیم و اگر درست با مسائل برخورد نمی‌شد امکان داشت حتی انقلاب به خطر بیفتد. چندنفر را به فرودگاه فرستادیم. آنها مدام سؤال می‌کردند تکلیف ما چیست و باید چه‌کار کنیم؟ و ما گفتیم نباید برخورد تندی شود. بالاخره هواپیما بر زمین نشست و آقایان رفیق‌دوست و محمد منتظری و دیگران جلود را به محل اقامتش منتقل کردند». فرودگاه مهرآباد به محاصره طرفداران جلود درآمد. رفتاری که بار دیگر ۵۰ روز بعد در ۲۰ خرداد ۱۳۵۸ نیمه‌شب، اتفاق افتاد و ۵۵۰ نفر وارد فرودگاه شدند تا بدون پاسپورت از کشور خارج شوند به قصد لیبی برای شرکت در جشن استقلال کشور لیبی.

مذاکرات جلود با امام

«عبدالسلام جلود، نخست‌وزیر لیبی وارد تهران شد و به قم رفت تا با امام‌خمینی ملاقات و مذاکره کند...». این بخشی از خبری است که روزنامه کیهان در روز چهارم اردیبهشت ۵۸ نوشت. فردای آن روز، این روزنامه ذیل عنوان «معمای امام‌موسی‌صدر در مذاکرات امام و جلود» روایتی از دیدار رهبر انقلاب با نخست‌وزیر کشور انقلابی لیبی را به چاپ رساند. کیهان از قول امام نوشت: «معمای امام‌موسی‌صدر حل نمی‌شود مگر به دست دولت لیبی» و پاسخ جلود را بازتاب داده بود که مدعی بود: «دولت‌های بزرگ از مسئله امام‌صدر برای جلوگیری از دیدار معمر قذافی با امام‌خمینی سوءاستفاده می‌کنند». امام در این دیدار خطاب به جلود گفته بود: «من قصد ایراد اتهامی بر شما در مورد ناپدیدشدن امام‌موسی‌صدر ندارم، مهم این است که سوءتفاهمی بین ملت‌ها و دولت‌های اسلامی نباشد و وحدت اسلامی همیشه محفوظ باشد اما قضیه‌ای که برای ما و علمای ایران و سایر اقشار به طور معما درآمده است، این فاجعه آقای صدر است. من و علمای ایران برای این فاجعه بسیار متأثر هستیم و این برای ما معمایی است که این معما حل نمی‌شود الا به دست دولت لیبی. ما این معما را می‌خواهیم که برادر ما «معمر» و دولت حل کنند و ناراحتی‌های ما را به اتمام برسانند...» اما سفر سرهنگ قذافی برای عرض تبریک به ایران به زمان دیگری موکول شد.

جلود سخنرانی می‌کند

در مسیر تهران- قم در رفت‌وآمد بود؛ اما تعداد روزهای حضورش در ایران را کسی دقیق نمی‌داند. صباغیان می‌گوید: «دعوت‌کنندگان جلود بسیار ترسیده بودند و از ترس خود را پنهان کرده بودند. برای همین دقیق مشخص نیست که جلود چند روز در ایران میهمان بود». او در روز هفتم اردیبهشت‌ماه ۵۸ در دفتر حزب جمهوری اسلامی سخنرانی می‌کند و به پیوندها میان دو ملت و تشابه دو انقلاب تأکید می‌کند. «می‌خواهیم ایران و لیبی در استراتژی اسلامی هم‌پیمان باشند» و به «تحکیم روابط ملت‌های انقلابی در برابر استکبار جهانی» ترغیب می‌کند. اما مهم‌ترین سخنرانی‌اش یک هفته بعد در قم انجام می‌شود. پانزدهم اردیبهشت‌ماه روزنامه کیهان با تیتر درشت «ترور امام‌موسی‌صدر اعلام شد» به بازتاب سخنان سرگرد جلود در یک سخنرانی نسبتا طولانی در قم پرداخت که به نوشته این روزنامه با پرده‌برداری از راز معمای امام‌موسی‌صدر رهبر شیعیان لبنان، گفته بود «امام‌موسی‌صدر به دست صهیونیست‌ها و استعمارگران ترور شده است». جلود که به همراه هیأتی در مجلس یادبود استاد مرتضی مطهری در قم شرکت کرده بود، ترور امام‌موسی‌صدر را با ترور دکتر شریعتی و استاد مطهری شبیه دانست! او در قسمتی از سخنانش تأکید کرد: «دشمنان علیه اسلام توطئه می‌چینند و می‌خواهند از ترور امام‌موسی‌صدر، انگیزه‌ای برای اختلاف میان مردم به وجود آورند. می‌خواهند ما را از شما جدا کنند، حق را ضایع نمایند و باطل را جای آن بنشانند. ما همه این ترورها را محکوم می‌کنیم». پیشنهاد تشکیل کمیته مشترک ایران و لیبی درباره امام‌صدر هم‌زمان از سوی مدیر تبلیغات خارجی لیبی هم اعلام شد و سیدابراهیم محمدالبشاری در نشستی خبری گفت: «ما برای قدردانی از امام‌خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و به خاطر علایق خاص دو ملت اسلامی لیبی و ایران حاضریم کمیته مشترکی از ایران و لیبی برای تحقیق در مورد امام‌موسی‌صدر تشکیل شود. ما نیز تمام مدارک خود را در اختیار این کمیته قرار خواهیم داد...».

ممانعت از ورود کمیته تحقیق به لیبی

صادق طباطبایی در جلد دوم خاطرات خود می‌نویسد: «براساس قراردادی که بعد از انقلاب بین ایران و لیبی منعقد شد، روابط دیپلماتیک بین دو کشور برقرار شد (در دوره محمدرضاشاه ایران با لیبی رابطه نداشت) یکی از موارد این قرارداد تشکیل کمیته تحقیق در ایران و لیبی برای روشن‌شدن سرنوشت امام‌موسی‌صدر بود. براساس این قرارداد کمیسیونی مرکب از وزیر دادگستری، دو یا سه حقوق‌دان، نماینده دادستانی ایتالیا، نماینده دادگاهی در ایتالیا که چندبار پرونده آقای صدر را مطرح کرده بود و برایش مسجل شد که هرگز آقای صدر وارد ایتالیا نشده بود و نماینده قضائی دولت لبنان و بنده به‌عنوان عضو و سرپرست این کمیسیون تعیین شدیم. ما هم برای ارائه مطالب و اطلاعات گسترده‌ای که پیدا کرده بودیم، خود را آماده کرده بودیم، تاریخ سفر نیز تعیین شده بود و شبی قرار بود به طرف لیبی حرکت کنیم به ما اطلاع دادند نماینده رهبر لیبی در بیت یکی از مراجع تقلید قم اعلام کرد این هیأت را نمی‌پذیریم. در مقابل سؤال‌های مکرر، توضیح دادند اسم کمیسیون «گروه تحقیق» بود و چون آنها قبل از تحقیق نظرشان را به روزنامه‌ها داده‌اند، سفر منتفی است». طباطبایی از عضویت و ریاست گروه کناره‌گیری می‌کند تا این سفر انجام شود. «اما مقام لیبیایی پیش این مرجع تقلید اظهار نگرانی می‌کند و با عجله خود را به تهران و امام رسانده و از تبعات سفر روشنگر کمیته مذکور بر روابط دو کشور و زیان‌هایی که از آن رهگذر متوجه انقلاب نوپای اسلامی خواهد شد، اظهار نگرانی کردند... . سفر انجام نشد، اما حضرت امام‌خمینی موقعی که قذافی اعلام آمادگی کرد که به ایران بیاید، گفتند تا زمانی که مسئله امام‌موسی‌صدر مشخص نشود، ایشان را نخواهم پذیرفت».

و معمایی پاسخ ماند

ربوده‌شدن آقای صدر به معمایی با راه‌حل «ناممکن» تبدیل شده و تا به امروز پاسخ مشخصی نداشته؛ اگرچه در همه دوره‌های تاریخ انقلاب اسلامی سرنوشتش از مسائل مورد توجه بود: هم در دولت موقت، هم در زمان ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای و هم در زمان ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یا در دوره دولت اصلاحات. صادق طباطبایی، خواهرزاده آقای صدر، می‌گوید: «در دوره ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای که قذافی با ایشان دیداری داشت و ایشان درباره آقای صدر سؤالاتی کردند، قذافی با حالت شوخی گفت این مسئله را فراموش کنید و ایشان اعتراض کردند و گفتند اولا این قضیه‌ای نیست که فراموش شود و ثانیا با فراموش‌کردن من که قضیه فراموش نمی‌شود و مردم هم همه‌چیز را فراموش نمی‌کنند. بار دوم هنگامی که آقای هاشمی‌رفسنجانی در زمان ریاست‌جمهوری در سفری که به لیبی داشتند و در این‌باره پرسید. باز هم قذافی از این موضوع ناراحت شد و دیگربار آقای ابطحی از طرف آقای خاتمی مسئول رسیدگی به این مسئله بودند که متأسفانه چون نتایجی در پی نداشت، مذاکرات متوقف شد». تا اینکه قذافی سقوط کرد و بخشی از راز معما را با خود به خاک برد.

منهای پایتخت

استقبال مریوانی‌ها از پیکر ۱۷ شهید گمنام

● **تسنیم- مریوان:** روز گذشته پیکر ۱۷ شهید گمنام دوران دفاع‌مقدس، با حضور رئیس ستاد تحقیق‌وتفحص شهدا، استاندار کردستان، مدیران و مسئولان شهرستان مریوان از طریق مرز باشماق مریوان وارد خاک کشور شد. سیدمحمد باقرزاده، رئیس ستاد تحقیق‌وتفحص شهدای کشور گفت: استقبال و حضور مردم در صحنه مایه یأس دشمنان است و دسیسه‌های آنها را که درصدد ایجاد تفرقه و اختلاف هستند خنثی می‌کند. او به نقش مردم استان کردستان و پیشمرگان مسلمان در دفاع از مرزوبوم و کیان جمهوری اسلامی پرداخت و افزود: مردم کردستان همواره بیدار بوده و تا آخرین قطره خون خود به دفاع از کشور پرداخته‌اند.

تأکید استاندار کرمانشاه بر اجرای برنامه‌های دولت در مورد زبان‌های محلی

● **ایرنا- کرمانشاه:** ابراهیم رضایی‌بابادی، استاندار کرمانشاه گفت: شعار اصلی دولت، صداقت و برهمین‌اساس به‌دنبال آمار صحیح و ایجاد آرامش و اطمینان در جامعه است و از ارائه آمارهای نادرست و اخبار اغراق‌آمیز به‌شدت اجتناب می‌کند. او جوانان را مهم‌ترین عامل پیروزی گفتمان تدبیر و امید ذکر کرد و افزود: در حقیقت این دولت با شعار تدبیر و امید، برآمده از انتخاب درست جوانان است. او ادامه داد: امیدوارم پیوند و ارتباطی که بین جوانان و دولت است همواره پردوام و جاویدان بماند. استاندار کرمانشاه همچنین به مسئله زبان کُردی پرداخت و ادامه داد: همه زبان‌ها و گویش‌ها قابل احترام هستند و بهترین کار این است که سیاست‌ها و برنامه‌های دولت درخصوص زبان‌ها اجرائی شود.

انتصاب جانشین فرمانده سپاه لرستان

● **تسنیم- خرم‌آباد:** سردار حبیب‌الله توکلی به‌عنوان جانشین فرمانده سپاه استان لرستان و سرهنگ سلطان‌مراد مرادی به‌عنوان فرمانده تیپ ۵۷ استان لرستان معرفی شدند. همچنین سردار عبدالله عراقی، جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه و سردار حبیب‌الله توکلی به‌عنوان جانشین سپاه حضرت ابوالفضل(ع) استان لرستان معرفی شدند. در این مراسم فرماندهان و مسئولان سپاه لرستان حضور داشتند.